

اگر در تهران کار به حکومت نظامی بکشد در کردستان شهرها بدست مردم میافتد

مصاحبه رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب با بخش کردی رادیو انترناسیونال (شنبه ۱۶ سپتامبر)



مردم است. دوره ای که مردم سازمانیافته تر و آگاهتر به مقابله جمهوری اسلامی میروند.

رادیو انترناسیونال: بازتاب این وضعیت را در کردستان چگونه صفحه ۲

چنگ و دندان نشان دادن خامنه ای و جناح راست هم از سر استیصال است و نه قدرت آنها، دیگر دوره قلدری و مانورهای اینچینی به سر آمده است. کارشان ساخته است. این رژیم و هر دو جناح آن بی آینده اند.

آنچه در این میان آینده دارد و دارد توجه همه را به خود جلب میکند، گسترش اعتراضات کارگران و توده مردم جان به لب رسیده است. اعتراضات شهرها، تحرک کارگری و جنب و جوش جوانان و دانشجویان از نظر من مهمترین تحول ایندوره اند. اعتراض گسترده و چند روزه مردم در خرم آباد نشانه دوره جدیدی از مبارزات

نمی تواند جلو تغییر و تحولی را بگیرد که در ایران در راه است. روند اوضاع در جهتی سیر میکند که رژیم کنترل اوضاع را از دست بدهد. دوره جدید کشمکش دو جناح و حاد شدن آن بازتاب همین وضعیت است. دوم خرداد و در راس آن خاتمی و دولت و مجلسشان پوچی و بیمایگی خود را به بهترین وجهی نشان داده اند. با حکم خامنه ای و تمکین دوم خرداد به آن فلسفه وجودی آنها زیر سؤال رفته است. اینها با بحران هویتی و سردرگمی سیاسی روبرویند. چند دستگی و پراکندگی در صفوف آنها ابعاد جدید به خود گرفته است. از طرف دیگر

رادیو انترناسیونال: اخیرا با حکم خامنه ای در قبال مجلس اسلامی، تحولات جدیدی در روند اوضاع سیاسی ایران بوجود آمده، دوم خرداد با بحران و سردرگمی روبروست، خاتمی سعی میکند خود را به "رهبر" نزدیک کند، جناح راست چنگ و دندان نشان میدهد، اعتراضات مردم در حال گسترش است، تصویر شما از وضعیت چیست؟

رحمان حسین زاده: با مشاهده شما موافقم. وقایع اخیر چند مسئله را برجسته تر نموده است. کل این وضعیت خود انعکاس این واقعیت پایه ایست که جمهوری اسلامی ضعیف و ضعیف تر میشود و

مزدوری و جنایت
به بهانه مساله کرد!

صفحه ۴

جمهوری اسلامی

عامل اصلی
خودکشی زنان!

صفحه ۳

هراس و هذیان
"گومه له طالبانی"

صفحه ۳

رادیو انترناسیونال

هر شب ۸:۳۰ تا ۹

بوقت تهران

۱۹ متر برابر با
۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۶۶۱ ۱۰۹۹

مرکز اطلاعات و پیامگیر

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷



دستگاه سرکوب و کشتارهای خیابانها شروع شده است. جناحهای رژیم هم به جان هم افتاده اند. آنها میخواهند رژیمی را که تا بحال بر روی کرده مردم با کشتار و ترس و وحشت و ناامنی و فقر تحمیل کرده اند نگاه دارند. مردم دیگر نمیخواهند هیچ مجالی به رژیم بدهند و هیچ "آرامش فعالی" هم کار ساز نخواهد بود. جوانان دیگر نمیخواهند در این جهنم زندگی کنند. مردم هیچ دل خوشی از رژیم ندارند و شادبهاشان را

صفحه ۲

۲۲ سال بعد از انقلاب ۵۷ زنده باد جمهوری سوسیالیستی

وخواستها و مطالب روشن رادیکال و سوسیالیستی و همچنین یک حزب کمونیست، نمایندگی میکند، اوضاع کاملا فرق میکرد.

اکنون و بعد از این همه سالها، باز هم اوضاع شبیه به سالهای ۵۶ - ۵۷ شده است. سرنوشت ما مردم ایران یکبار دیگر دارد رقم میخورد. مساله مهم این است که این بار چه میخواهیم و به چه اندازه آنچه را که میخواهیم میشناسیم؟ دوران مبارزات سال ۵۶ - ۵۷ که به انقلاب مردم منتهی شد با الان از خیلی جهات دارد به هم شبیه میشود. مردم رژیم اسلامی را نمیخواهند و مبارزات گسترده ای علیه دم و

گردهمایی های خانگی و در کوه نوردی، تهیه امکانات برای چاپ و پخش اعلامیه و نشریات، نوشتن شعار فعالیت کردیم و مرتب دوستان دیگری پیدا میکردیم. ما همچنین مخالف آخوند و ملا و قران و خدایشان بودیم و مخصوصا با این دار و دسته مرتجع مفتی زاده هر روز درگیری داشتیم. خلاصه فضای بسیاری از شهرها را ما چپهای آن زمان دست داشتیم. اما اگر نیروی عظیمی که پشت سر چپ بسیج شده بود و خواهان تغییر رادیکال بنفع میلیونها انسان کارگر و زحمتکش و محروم از نان و آزادی و برابری بود، را برنامه

اسد گلچینی

در سال ۵۷ مبارزه بر علیه حکومت شاه و دم و دستگاهش بطور فعال در دستور زندگی ما هم قرار گرفت. با بچه های محل، آنهایی که با هم بزرگ شده بودیم و سالها دوست و همبازی بودیم روابطمان هم تغییر کرد و سیاسی شدیم به این معنا که ما هم یک نوع مبارزه برای تغییر جامعه و زندگی مردم را در پیش گرفتیم و به مبارزه فعال بر علیه ستم و نابرابری و ساواک و شکنجه پیوستیم. در تظاهراتها، تحصننا،

ایسکرا

سردبیر: حسین مرادیگی

alan2157@yahoo.com

تلفن:

۰۰۴۶ ۷۰ ۷۷۷ ۸۰۹۸

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گبرو ۱۶۷۸۴۷۱_۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

اگر در تهران کار به حکومت نظامی بکشد

میبینید؟

رحمان حسین زاده: اعتراض و مبارزه مردم در کردستان پیوند عمیقی با مبارزات سراسری در ایران دارد و به شدت از اوضاع سراسری تاثیر گرفته و میگیرد. پایبای گسترش مبارزه در سراسر ایران، در شهرهای کردستان هم در ۲-۳ اخیر اعتراضات گسترده ای را شاهد بودیم. اعتراض هماهنگ و گسترده همه شهرها در اسفند ۷۷، سوم اسفند ۷۸ سنج و اعتراض در پیرانشهر، اعتراضات اخیر در جریان سفر خاتمی به کردستان، ماه مه امسال و موارد متعدد دیگر حاکی از روحیه آماده ویلای مردم در مقابله با جمهوری اسلامیت. نکته قابل توجه ای که در اعتراضات یکسال اخیر شهرهای کردستان شاهد بوده ایم، اینست که این اعتراضات سازمانیافته تر و آگاهانه تر به میدان آمده اند. شعارها و مطالبات رادیکالی مطرح شدند و دخالت کمونیستها و فعالین رادیکال در

آنها قابل توجه است. تصور میکنم با در تنگنا قرار گرفتن بیشتر جمهوری اسلامی و گسترش اعتراض سراسری، بنا به زمینه هایی که وجود دارد احتمال وقوع تحول سریع و به وجود آمدن شرایط متفاوت مبارزاتی در کردستان هست.

رادوی اترناسیونال: منظور شما از بوجود آمدن تحول سریع و اوضاع متفاوت چیست؟ دلایل آن کدامند؟

رحمان حسین زاده: ببینید اگر کنترل رژیم بر جامعه شل تر شود، زیر فشار اعتراضی شیرازه امور را بیشتر از دست بدهند. از سر استیصال به سرکوبهای نظامی طبعاً کم دوام هم دست بزنند یا حتی جناح راست بخواد علیه جناح دیگر دست به اسلحه برد. امکان اینکه در شهرهای کردستان زیر فشار حرکتیهای گسترده توده ای و دست بردن مردم به اسلحه دم و دستگاه اداری و سیاسی و

رادوی اترناسیونال: در چنان شرایطی وظیفه کمونیستها و جریان رادیکال چیست و حزب کمونیست کارگری چکار میکند؟

رحمان حسین زاده: اولین مسئله توجه به خود این واقعه و تشخیص موقعیتی است که بروز چنین رویدادی در آن محتمل است. باید هوشیارانه اوضاع را تعقیب کرد و در آن دخالت نمود. وضعیت را به روشنی توضیح داد و به مردم گفت و آنها را آماده نمود. نه تنها در آن اوضاع مشخص بلکه حضور موثر حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاسی و مبارزاتی در کردستان، از ضروریات عاجل و اصلا فلسفه فعالیت ما را در کردستان تشکیل میدهد. تلاش ما متوجه اینست که اعتراضات و مبارزات جاری گسترش یابد، سازمانیافته تر شود، اهداف و مطالبات رادیکال بر آن ناظر باشد. به نظرم دوره آنست که جنبش رادیکال کارگران، زنان و جوانان و دانشجویان و دیگر بخشهای معترض جامعه با سیاستهای رادیکال و سوسیالیستی، با مطالبات روشن و مشخص و با گستردگی تمام و با تشکلهای

نظامی رژیم از شهرهای کردستان برچیده شود، هست. قابل تصور است که رژیم به ضرب سرکوب خشن و حکومت نظامیهای کم دوام هنوز در مرکز حکم براند، اما شهرهای کردستان در دست مردم باشد. این را در سالهای ۵۷ و ۵۸ تجربه کرده ایم. من فکر میکنم چند دلیل میتواند در ایجاد چنین وضعیتی موثر باشد. اولاً: رژیم در آستانه فروپاشی هم و غم خود را بر کنترل اوضاع در تهران و دیگر شهرهای مرکزی ایران میگذارد و چنانکه مجبور به عقب نشینی در شهرهای کردستان شود به آسانی امکان اعاده کنترل و اداره امور را نخواهد داشت. احزاب سیاسی بنا به امکان و توان خود دخالت میکنند. کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری امکان دخالت و تاثیر گذاری جدی در به میدان کشاندن اعتراضات گسترده و سازمانیافته دارد. همچنین سنت فعالیت مسلحانه و دست بردن مردم به اسلحه علیه رژیم قویست و در چنان شرایطی تعرض نظامی به رژیم امری ممکن و ما پتانسیل نظامی خود را هم بکار میگیریم.

مجامع عمومی خود پایه میدان بگذارند، این مبارزات در سطح شهرهای مختلف هماهنگ و سراسری شوند. سیاست تشکیلات کردستان حزب و فعالین ما در شهرها سوق دادن اوضاع در این جهت است. اگر ما در این جهت پیش برویم، بر بستر گسترش اعتراضات سراسری شرایط وقوع وضعیتی که امکان برچیدن دم و دستگاه رژیم در شهرهای کردستان بوجود آید، فراهم شود. در آن وضعیت هم تشکیلات کردستان حزب با همه امکانات خود دخالت میکنیم، با به میدان کشیدن جنبشهای اعتراضی گسترده و رادیکال و اعمال فشار توده ای، با بکارگیری نیروی مسلح حزب و مسلح کردن توده مردم برای کوتاه کردن دست رژیم از سر مردم میکوشیم. برای برچیدن سیستم اداری و نظامی رژیم از محل کار و زندگی مردم و از شهرها میکوشیم. تلاش ما این خواهد بود که به جای دستگاه سرکوب و تحمیق جمهوری اسلامی، مردم آگاه و سازمانیافته توسط نهادهای انقلابی و منتخب خود اداره امور را بدست بگیرند.

از صفحه ۱

۲۲ سال بعد از انقلاب ۵۷

هم کی خواهد بود به عوامل دیگری غیر از آنچه اکنون وجود دارد بستگی دارد.

اگر ما در سال ۵۷، مثل امروز، دارای برنامه و سیاست روشن کمونیستی و حزب کمونیست کارگری بودیم، مطلقاً یک طرف اصلی قدرت سیاسی در ایران بودیم و براحتی نمیتوانستند خمینی را بیاوردند و به مردم تحمیل کنند. اکنون بیش از ۲۰ سال است که کمونیسم در ایران صاحب حزب و برنامه و سیاست خودش است. این مهمترین فرق و تفاوت این دوره با دوره سال ۵۷ است. اکنون توده میلیونی کارگر و مردم زحمتکش و میلیونها مردم آزادیخواه میتوانند حزب خود را انتخاب کنند و مبارزاتشان را با سیاستهای این حزب و رهبری آن پیش ببرند و با دقت و روشنی بسیار بیشتری از گذشته، احزاب و جریانات سیاسی را زیر نظر بگیرند و بدانند آنها چه افقی را پیش پای جامعه میگذارند و چه مسائلی و مشکلات اجتماعی ای جواب میدهند؟ مردم باید بدانند که احزاب سیاسی در مورد آزادیهای سیاسی و اجتماعی چه

و نابرابری جنسی تحمیل شده بر زنان و برابری زن و مرد چه میگویند، در مورد کارگران و حقوق آنها چه میگویند در رابطه با طب و آموزش رایگان برای همه چه میگویند، در رابطه با بهرمندی همه مردم بطور مساوی از امکانات جامعه چه میگویند، اعتیاد و فحشا را چه خواهند کرد، مساله بیکاری را چگونه حل خواهند کرد؟ آیا به زنان بیکار در خانه بیمه بیکاری خواهند داد؟ مشکل جنگ و درگیریهای ناشی از ستم ملی را چگونه جواب میدهند؟ آیا دست مذهب را از زندگی خصوصی مردم و آموزش و پرورش کوتاه خواهند کرد؟ آیا حجاب برداشته میشود و برای کودکان ممنوع میشود؟ ... اینها و بسیاری از خواستها و مطالبات دیگر سوالات امروز کارگان و همه مردم هستند که باید به آنها جواب داد. جوانان و همه مردم باید بدانند احزاب سیاسی در این موارد چه میگویند؟

شاه و مختصر فعالیتی و نوشتهای که این جا و آن جا پیدا میشود، معرف آنها بود، امروز هر کدام از جریانات و احزاب سیاسی در یک دوران پرتلاطم و همیشه بحرانی ایران حضور داشته اند و فعالیت کرده اند، معلوم شده است که چه میخواهند و چه مطالباتی دارند و چه اندازه با مردم و خواستهایشان هستند و چه اندازه دشمن مردم و مبارزاتشان و زندگیشان و آزادیشان هستند. امروز همه از رادیو و تلویزیون و ارتباطات مختلف استفاده میکنند. میتوان تشخیص داد که هر حزبی چه کار میخواستند و چه مطالباتی را عنوان میکنند. در دوران مبارزات ۵۷ ما از چنین امکانی برخوردار نبودیم. حزبی که بیاید و تمام خواستها و مطالباتش را روشنی و بدون هیچ پرده پوشی بگوید و برنامه حال و آینده اش را تعریف کند در دسترس نبود. اگر امروز بفر آن ناشییم و از احزاب مدعی سیاست در ایران نخواهیم که مطالبات و نظرگاههای خود را در مورد موارد بالا بروشنی بیان نکنند، باز هم شاهد یک نسل دیگر خواهیم بود که زندگی تیره میگردد، یعنی تکرار همانچیزی که در ۲۰ سال گذشته رخ داد. اگر ما در آزمون امکان همچنین کاری را داشتیم اوضاع اینگونه نمیشد. خوشبختانه امروز

حتی باید زیر نظر اطلاعات و سپاه پاسداران انجام دهند. زنان مبارز و آزاده که هیچگاه با رضایت خود تن به دستورات و قوانین ضد زن اسلامی نداده اند از هر فرصتی برای آزاد شدن تلاش میکنند. درون خانه ها نیز مردم به نسبت توانشان و بهرمندی شدنشان از امکانات، زندگی مدرنی دارند اما بیرون از خانه باید هزار و یک نوع شئون اسلامی و سنتی را رعایت کنند. از بحث و صحبتهای کوچک نشینان تا ملای محل و گروه "مفاسد" همه در کمین نشسته اند. همه مردم به تنگ آمده دیگر این اوضاع و این رژیم را نمیخواهند. اعتراضات گسترده در شهرهای تهران و خلخال و خرم آباد و سنج و پیرانشهر و بوکان و حرکت جوانان در دیگر شهرها بیانگر نفرت عمیق مردم از رژیم اسلامی است. اگر یک روز مردم را آزاد بگذارند حتی خاکستر این رژیم نیز بجای نخواهد ماند. جمهوری اسلامی را تنها دم و دستگاه پلیسی و اطلاعاتی و سپاه و ارتش حفاظت میکنند. سال ۵۶ - و بویژه ۵۷ این وضعیت برای رژیم شاه هم بود. اینکه رفتن قطعی جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی عامل اصلی خودکشی زنان!

مصاحبه رادیو انترناسیونال بخش کردی با خالد حاج محمدی



برای رهایی زنان کنار گذاشتن این رژیم است.

رادیو انترناسیونال: به نظر شما در این وضعیت چه باید کرد؟
خالد حاج محمدی: چنانچه گفتم کنار گذاشتن این رژیم قدم اول است و لذا تحکیم و تجدید مبارزه علیه این رژیم با تمام سنن و قوانینش جنی ترین مسئله است. در ضمن طبق آمار خود رژیم سالانه صدهزار زن به جرم رعایت نکردن و پیش نبردن قوانین اسلامی زندانی خواهند شد و خود این یعنی موج عظیم نارضایتی و مخالفت با قوانین اسلامی. در کل باید کاری کرد که هیچ مرتجع‌تی نتواند علیه زنان دست بلند کند و هر حرکتی علیه آنان را باید به اعتراضی علیه رژیم و فرهنگ گنبدیده و اسلامی و مردسالار و ضد زن تبدیل کرد.

رادیو انترناسیونال: اگر با رفتن جمهوری اسلامی کمونیست‌ها سر کار بیایند، برای رهایی زنان و مقابله با مسائل مورد بحث چکار خواهید کرد؟

خالد حاج محمدی: ما در برنامه خود یک دنیای بهتر" رتوس اقداماتی که ما فکر میکنیم باید اجرا شوند را آورده‌ایم. از نظر ما باید برابری کامل زن و مرد در شرکت و دخالت آنها در حیات سیاسی جامعه تامین شود. اعلام برابری کامل زن و مرد در خانواده مسئله جدی است و در این رابطه باید کلیه امتیازات مرد به عنوان سرپرست خانواده، فرزند، حق طلاق، وراثت، تصمیم

در میان آنان چیست و چرا میزان چنین وقایع ناگواری بالاست؟
خالد حاج محمدی: مهمترین عامل حاکمیت رژیم اسلامی و اجرای قوانین اسلام توسط این رژیم و تحمیل آن به زور بر مردمی است که از این حکومت و قوانین آن بیزارند. در عین حال وجود سنتهای عقب افتاده و ارتجاعی، شرق زدگی و مردسالاری که خود بازتاب فرهنگ اسلامی است نقش جدی دارند. باید توجه کرد که در حاکمیت حکومت مذهبی روزانه پول هنگفتی از بودجه این مملکت صرف تحمیل و اجرای قوانینی است که بردگی زن را میخواهد به نرم جامعه تبدیل کند و نتیجه بیش از دو دهه حاکمیت این رژیم ایجاد جهنمی برای زنان است که تحمل آن غیر ممکن است. اگر به اینها مسائل فقر و بیکاری و بیخانمانی و خفقان و سرکوب را اضافه کنیم، آنوقت ابعاد فجایع و شرایط وحشیانه‌ای که ایجاد شده را بهتر میشوید مشاهده کرد.

رادیو انتر ناسیونال: آیا شما فکر نمیکند نقش فرهنگ مرد سالار و کهنه و عقب افتادگی که در جامعه وجود دارد نقش جدی دارد؟

خالد حاج محمدی: بی‌شک فرهنگ و سنتهای مورد اشاره شما نقش دارند و حتی با رفتن جمهوری اسلامی هم کار ما و مبارزه ما با گرایش‌های ارتجاعی، زن ستیز و مردسالار تمام نخواهد شد. اما مسئله این است که در حال حاضر جمهوری اسلامی خود بانی و اشاعه دهنده این فرهنگ است و برای رشد و اشاعه آن همه رسانه‌های خود را به کار انداخته است. این رژیم، مرد سالاری و تحقیر و توهین و بردگی زن را به قانون این جامعه تبدیل کرده و ارتش و سپاه و انواع باند مسلح و تروریسم و ملا و مسجد و زندانهایش و غیره را برای تحمیل آن بکار انداخته است. اصلاً ضد زن بودن جزو هویت پایهای این رژیم است. با توجه به دلایل فوق، قدم اول

رادیو انترناسیونال: خالد حاج محمدی شما تا کنون حساسیت خاصی نسبت به کشتن و خودکشی زنان از خود نشان داده‌اید و بارها شاهد اطلاعیه‌های شما و نوشته روی تراژدی‌هایی که علیه زنان صورت گرفت بوده‌ایم، ممکن است در این خصوص توضیحاتی بدهید؟

خالد حاج محمدی: در طول حاکمیت جمهوری اسلامی موارد ترور زنان و خودکشی و خود سوزی آنان بسیار بالا بوده است و من نیز در این زمینه بارها اطلاعیه و نوشته داشته‌ام. اینجا من تنها به چند مورد از آنان که شخصا اخبارش بدستم رسیده است اشاره میکنم.

پروین آخروخوب که در خیابان سعدی در شهر سقز زندگی میکرد در ۹ اردیبهشت امسال خود سوزی کرد و بعد از سه روز در بیمارستان سنندج درگذشت. در اردیبهشت ماه امسال در محله حمام‌آباد شهر سقز زنی را سر بریدند. همین دیشب با خبر شدم که زنی دیگر در این شهر کشته شده است. سعیدیه دختر جوان در خیابان شهناز به جرم گردش با نامزدش چند ماه پیش بدست پدرش کشته شد. ۱۲ اردیبهشت امسال مادری همراه دخترش باز هم در سقز جانانشان را از دست دادند که روی چگونگی مرگ آنان خبرات متفاوتی موجود است. مدتی پیش زنی که خارج از قوانین اسلامی و قوانین رسمی حاکم با مردی رابطه میگيرد حامله میشود، بعد از تولد نوزادش، از ترس سنگسار و زیر فشار سنتهای اسلامی و مردسالارانه او را خفه میکنند. سه سال قبل در سقز، تاپان دختر قالیباف در محله کریم‌آباد، به جرم رابط با پسری که همديگر را دوست داشته‌اند، بدست پدرش کشته شد. آمار واقعی اینگونه تراژدی‌های انسانی چه در شهرهای کردستان و چه در کل ایران بسیار بالاست.

رادیو انتر ناسیونال: زمینهای واقعی کشتن زنان و خودکشی

هراس و هذیان "کومه له طالبانی"

بارگاه خاتمی و جمهوری اسلامی است. کینه توزی عمیق و ارتجاعی شان علیه کمونیسم کارگری و هراسشان از گسترش روزافزون حضور و نفوذ سیاسی حزب کمونیست کارگری در جامعه دستمایه ای در راستای این اهداف است.

کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران، از سالها پیش، تلاشهای ناسیونالیستی عبدالله مهتدی را افشاء کرده اند و در جریان اجرای پروژه ارتجاعی اخیر این دارودسته هم افشاگری سیاسی خود را با تحلیل و استدلال کنکرت ادامه دادند. افشای همه حرکات و سکنات ارتجاعی این دارودسته، افشای ماهیت دست راستی، ناسیونالیستی و نشان دادن ظرفیت های ضدکمونیستی و باندسیاهی این جریان، وظیفه هر انسان کمونیست و آزادیخواه است و فعالین کمونیسم کارگری در کردستان از این پس هم در صف مقدم این افشاگری ضروری حضور خواهند داشت. مهتدی و جماعتش خویست یکبار برای همیشه این درس را بگیرند، که کمونیسم و رهبران کمونیست صف قدرتمندی را در جامعه کردستان تشکیل میدهند، که تجسم آن در حزب کمونیست کارگریست. این صف راه را بر شگردها و نان به نرخ روزخوردنها و مانورهای مزورانه از این دست که از "عمو جلالشان" به ارث برده اند، سد میکند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مهر ۱۳۷۹ - ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۰

پاگیر، اخلاقی، فرهنگی، ناموسی و غیره لغو شود. در خاتمه باید بگویم که مذهب نقشی جدی در اشاعه و حفظ قوانین و فرهنگ مرد سالار و ضد زن دارد، دست مذهب را از دولت، مدارس و آموزش و پرورش و زندگی خصوصی مردم باید فوری کوتاه کرد. ■

دارودسته مهتدی - ایلخانیزاده که اخیراً از کومه‌له انشعاب کرده و با دستگیری و کمک مستقیم جریان رسوای اتحادیه میهنی موجودیت جداگانه ای علم کرده اند، این روزها با انتشار اطلاعیه ای، واکنشی پر از هراس و هذیان در قبال افشاگری سیاسی حزب کمونیست کارگری و شماری از کادرهای آن از خود نشان داده اند. علت این هراس و هذیان آنها ساده و قابل درک است. "پروژه بازسازی و رستاخیز جدیدشان" زیر نورافکن افشاگری کمونیستی رسوا شد و به سادگی اجازه داده نشد که ماه عسل "ایجاد شعبه اتحادیه میهنی تحت نام کومه له "یا طالبانی - نوشیروان و دیگران سران مرتجع اتحادیه میهنی "خوش و خرم" تمام شود. در این رابطه جیره و مواجب بگیری گذشته و حال مهتدی و شرکا از اتحادیه میهنی به همگان اعلام شد. سیاست دست راستی و اهداف ارتجاعی پشت این واقعه افشا شد. و در یک کلام رسواتر شدند و نتیجتاً هذیان میگویند. اینها در اوج راندگی و درماندگی دست به سرهم کردن یک فرقه ورشکسته ناسیونالیستی وردست اتحادیه میهنی زده اند و خودشان هم میدانند که در میان مردم جایی ندارند، تنها امیدشان "مقبول واقع شدن در میان ناسیونالیستها" و راه یافتن به بازار "مذاکره" با واسطه گری اتحادیه میهنی در

گیرنده در خانه و غیره فوری لغو شود. برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال و یکسان کردن قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی و اجرای مزد برابر در مقابل کار مشابه. در عین حال باید کلیه قوانین و راه و رسمها و سنتهای عقب افتاده، دست و

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مزدوری و جنایت به بهانه مساله کرد!

در حاشیه درگیری های اخیر اتحادیه میهنی و پ. ک. ک



حسین مرادیگی (حمله سور)

خواهد شد، توهمی بیش نیست. شغل "شریف" احزاب ناسیونالیست کرد مزدوری دولتهای ارتجاعی منطقه است به بهانه مساله کرد. به این دلیل تا سلطه این احزاب بر زندگی سیاسی و اجتماعی مردم کردستان باقی است، کشت و کشتار و ناامنی و دیگر مصائب مردم کردستان نیز ادامه خواهد یافت.

تنها راه توده کارگر و مردم آزادیخواه کردستان این است که این احزاب را از میان خود برانند، صفوف خود را از صفوف این احزاب و از ناسیونالیسم جدا کنند و به آلترناتیو کمونیسم کارگری به پیوندند. جدائی توده کارگر و مردم آزادیخواه کردستان از ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه و پیوستن آنها به آلترناتیو کمونیسم کارگری شرط رهائی آنها از هر نوع ستمی از جمله ستم ملی و کسب آزادی و برابری اجتماعی است. ابراز مخالفت سیاسی صریح و متحدانه توده کارگر و مردم آزادیخواه کردستان علیه این احزاب، از کانال کمونیستی و کارگری و حزبی آن، تنها راه به میدان آوردن قطب رادیکال و کمونیستی این جامعه و پایان دادن به سلطه این احزاب و دولتهای ارتجاعی حامی آنان در منطقه، است. ■

ارتجاعی و جنایتکارانه ای برای اثبات این مزدوری خود فروگذار نکرده اند. گرفتن حق الزحمه باند "نوشیروان طالبانی" از جمهوری اسلامی ایران در ازاء یورش به مقرهای حزب کمونیست کارگری عراق، ممنوع کردن فعالیت سیاسی این حزب، کشتن ۵ کمونیست پرشور و انقلابی و بستن دفتر سازمان مستقل زنان کردستان عراق، جدیدترین نمونه آدمکشی و مزدوری اتحادیه میهنی در کردستان است. یورش اخیر اتحادیه میهنی به نیروهای پ. ک. ک و کشت و کشتار آنها از همدیگر نیز پرده دیگری از ادامه قلدری و مزدوری این احزاب در اکتفاء به دولتهای ارتجاعی منطقه است. این احزاب یا ماهیت بشدت ارتجاعی و ضد آزادیخواهانه خود، مدتهاست به مانعی بر سر راه مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کردستان تبدیل شده اند که باید از سر راه این مبارزه برداشته شوند. به این دلیل دلخوش کردن به اینکه قلدری و مزدوری اینها و یا مصائب مردم کردستان و درگیریهای مشابه در شرایط حضور احزاب مسلح ناسیونالیست کرد و یا تعرض نظامی گاه و بیگاه اینها علیه کمونیستها و دیگر آزادیخواهان، یا ترور و آدم ربائی سیاسی این احزاب و ایادی آنان در منطقه پایانی خواهد داشت و خلاصه اینکه امکان زندگی در یک جامعه مدنی در سایه این احزاب برای مردم کردستان ممکن

اتحادیه میهنی، کردستان عراق را به تیول خود تبدیل کرده اند و بعنوان کدخداهای آن، در ازاء تحمیل سخت ترین شرایط به مردم کردستان عراق، سالانه میلیونها دلار به جیب میزنند. قرار بود در کردستان عراق با رفتن دیکتاتوری صدام، دیکتاتوری و خفقان و بی حقوقی مردم پایان پذیرد، در حالی که نه تنها دیکتاتوری و خفقان و بی حقوقی مردم همچنان برقرار است، بلکه تحمیل بدترین شرایط بر زن و کشتار وسیع آنان در جامعه نیز افزوده شده است. کردستان عراق حدود ده سال تمام است کشور نیست، بخشی از یک کشور نیست، یک اردوگاه به تمام معنی است که به بجای یک جامعه مدنی به میدان تاخت و تاز و جنگ و کشتار و باجگیری و سرگردنه گیری این احزاب تبدیل شده است.

در سطح منطقه نیز احزاب ناسیونالیست کرد و اسلامی کاملا به مزدور دولتهای ارتجاعی منطقه تبدیل شده اند و هر کدام هر وقت مصلحت این دولت ها ایجاب کرده است، نیروی مسلح مزدور خود را علیه همدیگر و علیه اپوزیسیون این دولتها بخدمت گرفته اند، خانه و کاشانه و محل کار و زیست مردم را زیر سلاحهای سنگین خود گرفته اند، به شکار پناهندگان سیاسی مستقر در محدوده تیول تحت حاکمیت خود پرداخته اند و خلاصه از هیچ تلاش

منطقه در آمده اند و هر وقت مصلحت این دولتها ایجاب کرده است، برای اجرای مقاصد جنایتکارانه آنان، از اوباش مسلح خود علیه اپوزیسیون و مخالفین سیاسی این دولتها و مخالفین سیاسی خود استفاده کرده اند و از هیچ نوع کشتار و توطئه و زد و بند و جنایتی نیز خودداری نکرده اند و این مزدوری همچنان ادامه دارد.

پ. ک. ک نیز خود دست کمی از اتحادیه میهنی و پارتی و دیگر احزاب مسلح ناسیونالیست کرد و اسلامی ندارد. این سازمان نیز با کمک و همکاری دولتهای ارتجاعی منطقه از جمله رژیم اسلامی ایران در منطقه قلدری میکند و مثل دیگر احزاب همتای خود به هر جنایتی علیه مخالفین سیاسی خود دست میزند. گزارشهای رسیده از این درگیریها حاکی است که تاکنون طرفین تعدا زیادی از نیروهای یکدیگر را بطرز بسیار فجیع وحشیانه ای کشته اند و خانواده های زیادی را بر اثر جنگ و کشتار اخیر خود داغدار کرده اند.

این احزاب حتی وقتی در قدرت هم قرار میگیرند هیچ تعهدی، هیچ مسئولیتی در قبال زندگی مردم کردستان نیز بعهده نمیگیرند. مدتهاست پارتی و

بدنبال سفر اخیر جلال طالبانی و کسرت رسول به ترکیه و گرفتن قول کمکهای مالی از این دولت و احتمالاً گرفتن قولهای مشابهی از پارتی (حزب دمکرات کردستان عراق) در ازاء یورش نظامی اتحادیه میهنی به نیروهای پ. ک. ک، اتحادیه میهنی حضور نیروهای پ. ک. ک در منطقه "قره داغ" را بهانه قرار داد و حمله نظامی خود را به نیروهای پ. ک. ک شروع کرد. یورش نظامی اتحادیه میهنی علیه پ. ک. ک که با دفاع متقابل نیروهای پ. ک. ک روبرو شد، به درگیریهای خونین و وحشیانه ای کشیده شده است که هنوز هم ادامه دارد.

یورش اخیر اتحادیه میهنی به نیروهای پ. ک. ک بار دیگر نشان داد که اتحادیه میهنی و دیگر احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه بمحض اینکه چند تفنگ و چند بسته اسکناس بعنوان جیره و مواجب مزدوری خود از دولتهای ارتجاعی منطقه دریافت میکنند، چگونه علیه اپوزیسیون این دولتها وارد جنگ شده و از هیچ اقدام جنایتکارانه ای علیه مخالفین سیاسی این دولتها فروگذار نمیکند. این احزاب مدتهاست به صورت دنباله چرخ سیاست خارجی دولتهای ارتجاعی

کمیته کردستان
 رحمان حسین زاده، دبیر کمیته ۰۰۴۶ ۷۳۸ ۵۵۸ ۹۳۷
 محمد آسنگران، روابط عمومی ۰۰۴۹ ۱۷۷ ۵۶۹ ۲۴۱۳

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

سازمان جوانان کمونیست
 بهروز مدرسی، دبیر سازمان ۰۰۴۹ ۱۷۲ ۲۹۵ ۷۶۰۳
 Postfach 102515
 50465 Köln
 Germany
آدرس:

www.haftegi.com
 www.wpiran.org
 www.rowzane.com
 www.iwsolidarity.com
 www.marxsociety.com
 www.medusa2000.com
 www.kvwpiran.org
 www.hambastegi.org

منتشر شد
۲۰ سال جنبش اول ماه مه در کردستان
 نسان نودینیان
تلاش مشترک دوخردادیا و ناسیونالیستهای کرد بیهوده است.
 در حاشیه مراسم نوروز امسال در شهر مریوان
صالح سرداری